

مهلکات: روان‌شناسی صوفی (قسمت دوم)

صفت‌های دل

NOXAe: Sofi Psychology (Part Two)

Traits of Heart

محمدتقی دلخموش
دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب

- احیاء علوم‌الدین ۳: ربع مهلکات
- ابوحامد محمد غزالی
- ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی
- به کوشش حسین خدیوچم
- انتشارات علمی و فرهنگی
- ۱۳۸۶، ۸۸۶ صفحه، ۳۳۰۰ نسخه، (بهای دوره ۴ جلدی ۴۰۰۰۰ ریال)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و بِهِ نَسْتَعِينُ

«پس صاحب خیر محض فریخته است، و مرتکب شر صرف دیو، شر را به خیر تلافی‌کننده به حقیقت آدمی است. چه در طینت انسانیت بد و نیک آمیخته است، و در فطرت بشریت خیر و شر آویخته. و هر بنده‌ای که هست، انتساب او اما به فریخته باشد و اما به آدم و اما به شیطان.»

آنچه آمد، عبارتهای برگرفته از مقدمه ربع منجیات، جلد چهارم کتاب ۴ جلدی «احیاء علوم‌الدین» ابوحامد محمد غزالی ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی به کوشش حسین خدیوچم است که توسط انتشارات علمی و فرهنگی در ۵۷۱ صفحه و تاکنون ۶ نوبت به انتشار در آمده است.

مفهوم پردازیهای صفت‌های دل

۱ صفت‌های دل: مراتب سکونت نفس (مطمئن - لوامه - اماره)

غزالی به تقسیم‌بندی نفس بر مبنای سه مقوله قرآنی می‌پردازد، «نفس به حسب اختلاف حالها به صفت‌های مختلف موصوف شود». نفس یا ساکن است یا سکونت آن تمام نیست. در سکونت کامل، طیب خاطر و نبود اضطراب از برآمدن شهوات و اگر ساکن نگردد، به درجات (ناگزیر از جدال با شهوات تا تسلیم‌شدن به شهوات) در عذاب است. مراتب سکونت نفس عبارتند از؛ نفس مطمئنه: دفاع در برابر تمایلات شهوانی و غلبه بر آنها و دستیابی به آرامش کامل و رهایی از اضطراب. به سبب بودن در تحت فرمان خدا. نفس لوامه: هر چند فرمانبرداری کامل از فرامین الهی ندارد، اما در برابر درخواست‌های

شهوای دفاع می‌کند، که وجدان سرزنشگر نشانه آن است. نفس اماره: تابعیت از درخواستهای شهوات و ارضاء آزادانه آنها و فرمانبرداری از شیطان.

۲ صفتهای دل: ریخت‌بندی ربانی - شیطانی

غزالی چهار ریخت را معرفی می‌کند: «بدان که در ترکیب و خلقت آدمی چهار چیز آمیخته است و بدان سبب چهار نوع از صفت در آن جمع می‌شود»، این ریختها عبارتند از: سبعی، بهیمی، شیطانی و ربانی.

«و هر آدمی که هست در او آمیزشی است از این چهار اصل... و آن همه در دل مجموع است.»

ریخت سبعی (سگی): غلبه خشم. که واجد صفتهای ددان است: تهور و خساست و گردنکشی و تصلف و عجب و تکبر و استهزا و استخفاف و تحقیر مردمان و بدخواهی و عداوت و دشمنی و ظلم و آزارگری و ...

ریخت بهیمی (خوکی): غلبه شهوت. که واجد صفتهای ستوران است: وقاحت و خبث و اسراف و بخل و ریا و تهتک و فساد و ناپاکی و شره و حرص و چاپلوسی و حسد و شماتت و ...

ریخت ربانی (حکیمی): غلبه امر ربانی که واجد صفتهای ربوبیت است: علم و بصیرت و حکمت و استیلا و استعلا و قهر و احاطه بر حقیقتها و تخصص و ...

ریخت شیطانی (دیوی): غلبه امر شیطانی. که واجد صفتهای شیطنت‌آمیز است: شرارت و مکر و حيله و فریب و گریزی و تلبیس و تضریب و غش و بسیار دانی و ...

اما دو ریخت ربانی و شیطانی نقش سازمانگرهایی با کنشهای متعارض را بر عهده دارند:

«از ضبط خوک شهوت و نگاه داشتن آن بر حد اعتدال صفتهای شریف در او منتشر شود.» چون: عفت و قناعت و سکونت و زهد و ورع و تقوی و انبساط و حسن هیئت و شرم و ظرافت و مساعدت و ...

«و از ضبط قوت خشم و قهر آن و بر حد واجب داشتن آن صفتهایی حاصل آید.» چون: شجاعت و کرم و دلیری و ضبط نفس و شکیبایی و بردباری و احتمال و عفو و ثبات و نیکویی و شهامت و آهستگی و ...

آشکار است که ضبط صفتهای منبعث از غلبه ریختهای سبعی و بهیمی (با استیلائی ربانی)، معادل صفتهای نفس مطمئنه. و آزادسازی صفتهای ریختهای سبعی و بهیمی (بواسطه تسلط ریخت شیطانی)، مترادف صفتهای نفس اماره است.

۳ صفتهای دل: طبقه‌بندی دنیوی - اخروی

غزالی چنین می‌نویسد که: «پس مردمان چهار قسم‌اند: اول - آنکه دل او مستغرق ذکر خدا بود، و به دنیا التفات نکند مگر در ضرورات معیشت. و او «صدیقان» باشد. و بدین مرتبه نرسد مگر به ریاضت و دوری از شهوتها. دوم - آنکه دل او مستغرق دنیا بود و ذکر خدای در دل او نمانده باشد مگر به حدیث نفس، و این از «هالکان» بود. سوم - آنکه هم به دنیا مشغول باشد هم به دین، ولکن غالب بر او دین بود. . . چهارم - آنکه به هر دو مشغول باشد، لیکن دنیا بر دل او غالبتر بود. . .»

۴ صفتهای دل: مداخل و دریچه‌های دل (دیو - فرشته)

«دل درهایی دارد، در هر دری از آن، حالها بر وی آید. . . و مداخل این اثرها در دل یا از ظاهر است، و آن پنج حس

است؛ و یا از باطن، و آن خیال و شهوت و خشم و اخلاقی است که در مزاج آدمی مرکب است». غزالی شرح می‌دهد که اصلی‌ترین اثرها در دل «خاطرها» (حدیث نفس: تصویر ذهنی) است، که در یک زنجیره علی به ترتیب رغبت (میل طبع: انگیزش)، حکم دل (اعتقاد: ترجیح ارزشی)، عزم و نیت (نفس: قصد و اراده) و اندام (عمل جوارح: رفتار) را به جنبش و می‌دارد. این خاطرها یا داعی شر (عاقبت زینبار) یا داعی خیر (سودمندی آخرت) هستند که «خاطر ستوده را الهام و خاطر نکوهیده را وسوسه گویند. . . .»، فرشته مسبب داعی خاطر خیر و حصول آن توفیق است. دیو باعث داعی خاطر شر و ابتلای بدان اغوا و خذلان است. «محاربت میان لشکر فریشتگان و دیوان در معرکه دل همیشه باشد». غزالی اشاره می‌کند که «دیو را درهای گشاده سوی دل بسیار است و در فریشتگان یکی است» و توضیح می‌دهد که «مداخل دیو و درهای او صفت‌های بنده است و آن بسیار است» که او شماری از این صفت‌های نکوهیده را به تفصیل مورد بحث قرار می‌دهد: حسد و حرص، خشم و کینه، تجمل‌گرایی، سیری از طعام، طمع، شتابزدگی، مال دوستی، بخل و خست و ترس از فقر، تعصب در مذهب و کینه‌جویی و خوارشماری مذهب دیگران، گمراه‌ساختن جماعت (عوام‌فریبی) در اصل دین، بدگمانی و غیبت و زبان درازی، جاه و ریا، کبر و عجب، غرور و . . .

۵ صفت‌های دل: تقسیم‌بندی جهت‌گیری نیکی - بدی

غزالی چنین می‌گوید که: «دلها در ثابت‌بودن بر نیکی و بدی و تردد میان آن سه قسم است: یکی - دلی که به تقوی عمارت پذیرفته و به ریاضت مزگی باشد و از مویهای پلید پاک گشته، خاطرهای خیر از خزاین غیب و مداخل ملکوت در او منقذ شود. . . که *تطمئن القلوب* . . . و نفس مطمئنه، مراد اوست. دوم - دل مخذول که به هوی مشحون باشد و به خبایث مدّس و به خوبیهای نکوهیده ملوث، درهای دیوان در او گشاده و درهای فریشتگان بر او بسته. . . سوم - دلی که خاطرهای هوی در او سابق شود و سوی بدی خواندن گیرد؛ پس خاطر ایمان بدو لاحق گردد و بر خیر تحریض نماید. . . و پیوسته میان دو لشکر متردد می‌باشد. . . پس اگر غالب بر دل صفت‌های شیطانی باشد. . . دل به «احزاب شیطانی» مایل شود. . . و اگر اغلب بر دل صفت‌های مَلکی باشد. . . دل به «حزب الهی» مایل شود. . . و اغلب گشتن و نقل کردن از حزبی به حزبی است.»